



قطعنامه هسته ای شورای امنیت علیه ایران

با تصویب قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد باتفاق آرا و با تاکید بر لزوم تعلیق کلیه فعالیتهای هسته ای ایران و اعمال مرحله اول تحریمهای بین المللی علیه ایران، موضوع پرونده هسته ای ایران حساسیت دو چندانی یافته است.

نهیضت آزادی ایران از ابتدای چالش جمهوری اسلامی با آژانس بین المللی انرژی اتمی بارها در نشریات نهضت و مصاحبه های اعضای آن درباره مخاطرات تداوم و تشدید بحران در سیاست خارجی - بویژه در مورد پرونده انرژی هسته ای، که ایران را به سوی برخورد با جامعه بین المللی پیش می برد - هشدار داده است. متأسفانه، به رغم تمامی اندرزها و توصیه های دلسوزانه علاقه مندان به این مرز و بوم، مسئولان امر با فرصت سوزیهای مکرر مساله را به نقطه ای رسانده اند که به آسانی قابل حل نیست و همان طور که یکی از اعضای ارشد تیم سابق مذاکره کننده اعلام کرده است: "خروج پرونده ایران از شورای امنیت به آسانی متصور نیست، در حالی که احتمال اتخاذ تدابیر و تحریمهای شدیدتر علیه ایران کاملاً وجود دارد".

قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت علیه ایران بر طبق مفاد بند ۴۰ فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد صادر شد و روشن بود که اگر ایران آن را نپذیرد، حرکت بعدی شورای امنیت، به احتمال قوی صدور قطعنامه ای برپایه بند ۴۱ همان فصل خواهد بود. این امر آنقدر جدی و آشکار بود که حتی نماینده فدراسیون روسیه در شورای امنیت (آقای چورگین) پس از تصویب آن قطعنامه اعلام کرد: «در صورت پاسخ منفی ایران یا شکست مذاکرات، مطمئناً ما بند ۴۱ مندرج در فصل هفتم منشور را که ناظر بر مجازاتهای بین المللی و تحریم هاست، در نظر خواهیم گرفت.» (اعتماد ملی - ۸/۵/۸۵). بند یاد شده ناظر بر مجازات ها و تحریم هاست. عدم اجرای مفاد قطعنامه ۱۶۹۶، از سوی ایران همان طور که پیش بینی می شد، منجر به تصویب قطعنامه ۱۷۳۷ به اتفاق آرا گردید. اگرچه در قطعنامه اخیر محدودیتها و مجازات هایی برای ایران مقرر شده است، هنوز گستره آنها از مفاد بند ۴۱ فاصله دارد.

برای کسب موافقت روسیه و چین و امکان پذیر شدن تصویب قطعنامه باتفاق آراء، لحن قطعنامه ملایم تر از آن شد که آمریکا می خواست. ظاهراً تلاش دولت آمریکا در برخورد با ایران این است که موافقت کامل جامعه جهانی، بویژه دولتهای روسیه و چین، را داشته باشد.

روشن است که اگر ایران نتواند در مدت باقیمانده از مهلت ۶۰ روزه نظر موافق آژانس را به گونه ای تأمین کند، اعضای دائم شورای امنیت، احتمالاً چاره ای جز دست یازیدن به تحریم ها و مجازات های بیشتر نخواهند داشت. در واقع، سیاست خارجی و دیپلماسی ایران نتوانسته است از همسویی روسیه، چین و اروپا با آمریکا جلوگیری کند. تداوم این روند، بی تردید، جبهه جهانی علیه ایران را در راستای اهداف و برنامه های آمریکا تقویت و هدایت خواهد کرد.

به نظر می رسد که دولت ایالات متحده ترجیح می دهد که ایران مفاد قطعنامه را نادیده بگیرد تا آن دولت بتواند شورای امنیت سازمان ملل متحد، روسیه، چین و اروپا را به اتخاذ تصمیمات شدیدتر علیه ایران وادار سازد.

همزمان با موضوع انرژی هسته ای، نام جمهوری اسلامی ایران به چند علت دیگر نیز در رسانه های مختلف خبری تکرار می شود، از جمله به خاطر برگزاری همایشی دولتی برای انکار کامل واقعه هلوکاست با حضور مطرح ترین و خبرسازترین چهره های نژاد پرست، مانند رهبر فرقه نژاد پرست کوکلس کلان آمریکا، که به داشتن مواضع ضد اسلامی، ضد یهودی و ضد سیاه پوستان معروف است، حضور این گونه افراد در مهمانی و همایش برگزار شده به دستور رئیس دولت ایران موجی از شگفتی و ناخشنودی از این رفتار ایران را در میان رنگین پوستان و مسلمانان آمریکا و دیگر نقاط جهان پدید آورده است.

در مورد ضرورت تأکید بر حق ملت ایران برای استفاده مسالمت آمیز از انرژی هسته ای تردید نمی توان کرد. اما مطمئناً تلاش برای اثبات دروغ بودن هلوکاست و انکار یا بازگویی و تکرار شعار "اسرائیل باید از بین برود" نه تنها ارتباطی با منافع ملی ما ندارد، بلکه در شرایط کنونی تنها موجب انزوای بیشتر ایران و تحریک بسیاری از کشورهای بیطرف علیه ایران می شود.

اکنون چه باید کرد؟

برخی از گروههای اقتدارگرا و تندرو بلافاصله پس از صدور قطعنامه ۱۷۳۷ پیشنهاد خروج ایران از معاهده منع گسترش سلاحهای اتمی (ان پی تی) و قطع همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی را مطرح کردند. هرچند که حضور در ان پی تی یا خروج از آن از حقوق هر یک از کشورها است، باید توجه داشت که در یک سال گذشته پیشنهاد تمام فعالان سیاسی معتقد به منافع ملی، از طیفهای مختلف، به دولت ایران رایزنی در جهت بازگشت پرونده ایران از شورای امنیت به آژانس و الزام جامعه جهانی به

برخورد با ایران در چهارچوب مقررات ان پی تی بوده است. حال این سؤال مطرح می شود که اگر ایران معاهدات مقررات بین المللی، از جمله بیانیه جهانی حقوق بشر، منشور سازمان ملل، ان پی تی و پادمان را رعایت نکرده و از ان پی تی خارج شود، چگونه می توان از جامعه جهانی درخواست کرد یا انتظار داشت که با ایران در چارچوب همان معاهدات و مقررات برخورد شود؟

نخستین پیامد زیانبار خروج از ان پی تی تشدید و تقویت جبهه یکپارچه جهانی علیه ایران خواهد بود. همه می دانند که اتحادیه اروپا، روسیه و چین، به رغم داشتن روابط نزدیک و گسترده با آمریکا، به هیچ وجه مایل به دنباله روی سیاستهای استیلاجویانه جهانی آمریکا نیستند. اما اگر ایران در دیپلماسی اش، مناسبات و روابط جاری بین المللی را در نظر نگیرد، این کشورها چاره ای جز همصدایی و همگامی با آمریکا در ارتباط با پرونده هسته ای ایران را ندارند. در چارچوب مناسبات کنونی، خروج ایران از ان پی تی به سود سیاستهای تهاجمی آمریکا علیه ایران تمام خواهد شد. خوشبختانه به نظر می رسد که تلاش گروههای تندرو و خردگرایان برای خروج ایران از ان پی تی و قطع همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی راه به جایی نبرده، تنها در سطح یک شعار باقی خواهد ماند.

دیپلماسی ایران در بحران هسته ای تا کنون بر اساس «بدست آوردن وقت» و کش دادن مذاکرات بوده است. این سیاست در یک مرحله موثر و کارساز بود، به گونه ای که ایران توانست در خلال مذاکرات، با راه اندازی تجهیزات هسته ای در اصفهان و نظن فن آوری تغلیظ اورانیوم را تجربه کند و موفقیت در غنی سازی اورانیوم تا میزان ۵ درصد را کسب نماید. اما با صدور قطعنامه اخیر، امکان استفاده از مانورهای مشابه وجود ندارد یا بسیار ضعیف است.

برخی از مقامات ایرانی تحریم اقتصادی، از جمله قطع صدور نفت ایران، را مسلم می دانند اما دل به این بسته اند که چون بهای نفت، در صورت تحریم، به بشکه ای ۲۰۰ دلار خواهد رسید، مصرف کنندگان عمده نفت خاورمیانه، یعنی اروپا، ژاپن و چین از تصویب قطعنامه تحریم جلوگیری خواهند کرد. بی تردید، تصویب قطعنامه تحریم ایران با ایجاد یک ضربه (شوک) روانی به بازار نفت موجب افزایش بهای نفت خواهد شد. اما چنین افزایشی ثابت نخواهد ماند، زیرا کشورهای عمده صادر کننده نفت خاورمیانه، یعنی عربستان سعودی و کویت، هم امکان و هم اراده افزایش میزان صدور نفتشان، تا حد جبران قطع نفت ایران، را دارند.

در بحران کنونی خاورمیانه، کشورهای عرب همسایه عراق، بویژه عربستان، کویت و اردن، با احساس نگرانی از تاسیس یک دولت شیعی دیگر در منطقه، از حملات شورشیان سنی علیه شیعیان حمایت می کنند و بنابراین طبیعی خواهد بود که این کشورها، در صورت تشدید بحران انرژی هسته ای و قطع صدور نفت ایران، از آمریکا و جامعه جهانی علیه ایران جانبداری نمایند. کشورهای یادشده صریحاً به خریداران نفت خاورمیانه اطمینان داده اند که، در صورت قطع صدور نفت ایران،

کاهش عرضه را با افزایش تولید و صدور به آن کشورها جبران خواهند کرد.

اما مهمتر از مسأله افزایش قیمت نفت و آثار آن بر اقتصاد اروپا و شرق آسیا، پیامد قطع درآمد نفت برای خود ایران است. افزایش قیمت نفت، در صورت تحریم فروش نفت ایران، سودی برای ایران نخواهد داشت. کشوری که بیش از سه چهارم درآمد سالانه آن از محل فروش نفت تأمین می شود، چگونه خواهد توانست ضربه ناشی از قطع این درآمد را بدون فراهم شدن موجبات از هم گسیختگی یا گسترده تر شدن بحران اقتصادی تحمل کند.

برای ایران به مراتب بهتر آن می بود که پاسخ پیشنهادهای گروه ۵+۱ را با نظر مساعد و ارائه پیشنهادهای متقابل مناسب و در زمان مناسب می داد و مانع تصویب قطعنامه قبلی و اخیر می شد. زیرا بنا بر دلایلی که اجمالاً به آنها اشاره شد، امکان کسب امتیاز در مذاکره با گروه ۵+۱ به مراتب بیشتر از امکان موفقیت در به دست آوردن امتیاز پس از تصویب قطعنامه شورای امنیت وجود می داشت. اما اکنون به نظر می رسد که ایران از جهت روانشناسی سیاسی نتواند به آسانی به مفاد این قطعنامه تن در دهد. از طرف دیگر رد قطعنامه ۱۷۳۷ توسط ایران، احتمال تصویب اقدامات بعدی و مجازات ها در چارچوب بند ۴۱ فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد را بالا خواهد برد.

قوانین و معادلات نهادهای بین المللی در شرایط کنونی، به رغم واکنش نسبت به برنامه اتمی برخی از کشورهای جهان در برابر رژیم صهیونیستی که به انواع سلاحهای اتمی و حتی شیمیایی و میکروبی مجهز می باشد، سکوت پیشه کرده اند.

جمهوری اسلامی ایران باید با استفاده از "قدرت حق" و با درایت و دیپلماسی، ضمن حفظ آرامش و پرهیز از تحریک بیشتر جامعه جهانی علیه خود، سعی کند که نهادهای بین المللی را نسبت به این دوگانگی معیارها و نقض معاهدات بین المللی توسط رژیم صهیونیستی هشیار نماید.

نهضت آزادی ایران، باتوجه به مناسبات کنونی در روابط بین المللی و با بررسی تمام جوانب مسأله هسته ای ایران، به مقامات تصمیم گیرنده در حکومت توصیه می کند که برای حفظ منافع ملی ایران و ایفای وظیفه و تعهدی که هر حکومتی نسبت به تأمین آن دارد، با استفاده از ابزارها و فرصتهای دیپلماتیک در چهارچوب بسته پیشنهادی گروه ۵+۱ و ارائه شروطی در جهت تکمیل استراتژیک آن از جمله قبول و تضمین حق ایران در استفاده مسالمت آمیز آتی از انرژی هسته ای (حتی در صورت ایجاد یک باشگاه محدود یا به اصطلاح اوپک هسته ای)، اولاً از طرح مجدد مسأله ایران در شورای امنیت جلوگیری نماید تا رسیدگی به پرونده ایران عملاً به آژانس بین المللی انرژی اتمی برگشت داده شود و ثانیاً با ایجاد شکاف در جبهه متحد جهانی علیه ایران از تحقق اهداف خصمانه ایالات متحده جلوگیری گردد.

نهضت آزادی ایران